

Strategies for Realizing the Civilization-Building Economic Component Based on the Statement of the Second Phase of the Islamic Revolution

1. Mohammad Mehdi Bagheri: Department of Political Science, Shah.C., Islamic Azad University, Shahreza, Iran
2. Alireza Golshani*: Department of Political Science, Shah.C., Islamic Azad University, Shahreza, Iran. Email: agolshani@iaush.ac.ir (Corresponding Author)
3. Alireza Biyaban Navard Sarvestani: Department of Political Science, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran

ABSTRACT

The Statement on the Second Phase of the Islamic Revolution, issued by the Supreme Leader in 2019, serves as a roadmap for the progress and advancement of the country across various domains, including the economy. As a fundamental pillar of national development, the economic component plays a vital role in societal growth and in shaping a new Islamic civilization. A deeper and broader analysis of this component within the context of the Islamic Revolution may contribute to a more comprehensive understanding of the global economic landscape and its implications for the Islamic Revolution. This study aims to examine the economic dimension as a key and necessary element in civilizational construction. Employing a descriptive-analytical method, the research analyzes the content of the Second Phase Statement and the Supreme Leader's speeches through library-based research. The findings indicate that the realization of a civilizational economic component is closely tied to the promotion of knowledge, mobilization of public capacity, utilization of domestic resources, economic engagement with cooperative nations, prevention of brain drain, integration of talent into various economic sectors, strengthening of transnational relations, and the development of strategic infrastructure. In this context, the role of managers and decision-makers in supporting, facilitating, and executing practical measures is of critical importance.

Keywords: *Family Protection Act, maternal role, divorce, custody, legislative policy-making, gender justice.*

How to cite: Bagheri, M. M., Golshani, A., & Biyaban Navard Sarvestani, A. (2025). Strategies for Realizing the Civilization-Building Economic Component Based on the Statement of the Second Phase of the Islamic Revolution. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(4), 1-17.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 26 March 2025
Revise Date: 23 May 2025
Accept Date: 31 May 2025
Publish Date: 10 February 2026



راهکارهای تحقق مولفه تمدن ساز اقتصاد بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

۱. محمد مهدی باقری: گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
۲. علیرضا گلشنی*: گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. پست الکترونیک: agolshani@iaush.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. علیرضا بیابان نورد سروستانی: گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۹۷ توسط مقام معظم رهبری صادر شد، به منزله نقشه راهی برای پیشرفت و تعالی کشور در ابعاد مختلف، از جمله حوزه اقتصاد، مطرح است. اقتصاد به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در رشد و توسعه جامعه، نقشی بنیادین در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کند. تحلیل این مؤلفه در پرتو مطالعات دقیق‌تر درباره انقلاب اسلامی می‌تواند به درک عمیق‌تری از جایگاه اقتصاد در تمدن‌سازی و تأثیر آن بر نظام‌های اقتصادی جهانی بینجامد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اقتصاد به عنوان یکی از عناصر اساسی در فرآیند تمدن‌سازی، به روش توصیفی-تحلیلی و از طریق تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب و بیانات مقام معظم رهبری به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد تحقق مؤلفه تمدنی اقتصاد ارتباط مستقیمی با توسعه دانش، بهره‌گیری از توانمندی‌های مردمی و ظرفیت‌های داخلی، تعامل اقتصادی با کشورهای همسو، جلوگیری از فرار مغزها و به کارگیری آن‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی، تقویت روابط فرامرزی و توسعه زیرساخت‌های راهبردی دارد. در این میان، نقش مدیران و سیاست‌گذاران در حمایت، تسهیل‌گری و اقدام عملیاتی، بسیار تعیین‌کننده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد، تمدن نوین اسلامی، پیشرفت، گام دوم انقلاب اسلامی، راهکارهای عملی

نحوه استناددهی: باقری، محمد مهدی، گلشنی، علیرضا، و بیابان نورد سروستانی، علیرضا. (۱۴۰۴). راهکارهای تحقق مولفه تمدن ساز اقتصاد بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۴)، ۱۷-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۰ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۱ بهمن ۱۴۰۴

مقدمه

نگاه اسلام به مفاهیمی چون اقتصاد با نگاه غرب به این مفاهیم متفاوت است. اقتصاد در غرب بر پایه سود و نفع بنا نهاده شده و در آن به عدالت اجتماعی توجهی نمی‌شود؛ اما مکتب اسلام، اقتصاد و ثروت را در ارتباط تنگاتنگ با ارزش‌هایی مانند عدالت اجتماعی و کمک به افراد جامعه می‌بیند. مکتب اسلام، پس از ۱۴۰۰ سال، همچنان اثرگذاری کمی و کیفی خود را حفظ کرده و جوامع بسیاری را تحت تأثیر قرار داده و مسیرهای درست را به بشر در طول حیات خود نشان داده است. در نگاه اسلام، اقتصاد اصلی مهم و اساسی است که بی‌توجهی به آن حتی ممکن است فرد و جامعه را به بی‌دینی و کفر بکشاند. فقر و نداری اقتصادی، عاملی است که می‌تواند برخی از افراد جامعه را به ورطه انحراف و گمراهی سوق دهد و حتی به انکار دین و ارزش‌های دینی بینجامد. لذا حاکمان اسلامی بایستی نگاه ویژه‌ای به اهمیت اقتصاد در جامعه داشته باشند.

نظام اسلامی و انقلابی ایران، با توجه به ویژگی‌ها و محتوای غنی که از مکتب بزرگ اسلام الهام گرفته است، قابلیت و ظرفیت آن را دارد که بتواند به ساخت اقتصاد نیرومند در جهت رشد و پیشرفت کشور همت گمارد؛ به‌ویژه با توجه به ماهیت استقلالی که در درون خود ایجاد کرده و از سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ جلوگیری نموده، تا تمام افراد جامعه بتوانند از سرچشمه‌های مادی و رفاهی این رشد و پیشرفت بهره‌مند گردند و قابلیت سرآمد بودن در تمدن‌های موجود در جهان را داشته باشد. برای رسیدن به این مهم، دست‌اندرکاران، نخبگان و سیاست‌گذاران کشور می‌بایست با سرمایه‌گذاری و حمایت از بخش‌های مختلف به مقابله با مسائل و مشکلات اقتصادی بپردازند تا زمینه عقب‌رفت از کانون پیشرفت جهانی از بین برود و در ماراتن اقتصادی حذف نشویم و روزبه‌روز شاهد تعالی و پیشرفت جامعه باشیم.

بدون شک، اقتصاد به‌عنوان یکی از زیربنایی‌ترین مؤلفه‌های عملی و سخت‌افزاری هر نظامی، همواره مورد دغدغه همه عناصر آن نظام و جامعه محسوب می‌شود. بدون در نظر گرفتن این مؤلفه مهم و اساسی، پیشبرد امور جامعه اساساً غیرممکن خواهد بود. در ایران نیز به دلیل همین شرایط مهم، اقتصاد یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مباحث مردم و عناصر حکومتی است. قبل از انقلاب، به دلیل ماهیت وابسته و تبعی حاکمان پهلوی، بسیاری از منابع حیاتی و زیربنایی کشور تحت کنترل و استفاده بیگانگان قرار داشت که به دلیل همین وابستگی‌ها و بسیاری دیگر از ضعف‌های ساختاری، مردم برنافتند و نظام حکومتی پهلوی را ساقط کرده و نظام جمهوری اسلامی را مستقر ساختند.

اکنون، پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران و پس از فراز و فرودهای مختلف در ادوار گذشته، با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم که یکی از این چالش‌ها در حوزه اقتصاد و پیشرفت مادی کشور است و نگاه‌های زیادی را به خود جلب کرده و دغدغه‌هایی را برای همه آحاد و اقشار جامعه به‌وجود آورده است. تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که: راهکار عملی تحقق مؤلفه تمدن‌ساز اقتصاد در جامعه بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کدام است؟

۱. چارچوب نظری

مفهوم‌شناسی اقتصاد

اقتصاد در فارسی به معنای میانه‌روی و متعادل بودن دخل و خرج است. در اصطلاح، عموماً تعریف پذیرفته‌شده‌ای در میان اقتصاددانان وجود ندارد؛ زیرا تعاریف ارائه‌شده، در درجه نخست از جامعیت لازم برخوردار نبوده و در ثانی با مسلم فرض کردن موضوعات، این تعاریف به دور باطلی از تعاریف جدید کشیده می‌شود. با این همه، تعریفی که اکثر اقتصاددانان بر روی آن اتفاق نظر دارند، عبارت است از: «مطالعه چگونگی استفاده از منابع کمیاب جامعه به منظور تولید کالاهای باارزش و توزیع آن بین افراد مختلف» (سالواتوره، ۱۳۷۰: ۲).

علم اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع محدود به نیازهای نامحدود است. به عبارت بهتر، علم اقتصاد بررسی روش‌های مختلف با هدف به‌کار بردن منابع کمیاب و محدود جامعه برای تولید انواع کالاها و خدمات در جامعه به منظور ارضاء و تأمین هر چه بیشتر و بهتر خواسته‌ها و نیازهای نامحدود افراد جامعه است (Nakhaei Aghmioni & Najjarzadeh, 2003).

آلفرد مارشال در کتاب خود اصول علم اقتصاد (۱۸۹۰) تعریفی ارائه می‌دهد که تاکنون نیز مطرح است و تحلیل اقتصادی را از مقوله ثروت فراتر می‌برد و از سطحی اجتماعی به سطح اقتصاد خرد می‌کشد:

«اقتصاد، مطالعه انسان است در کسب و کار معمولی‌اش در زندگی. اقتصاد به کاوش در این می‌پردازد که چگونه انسان درآمدش را کسب و آن را مصرف می‌کند؛ بنابراین، از یک جنبه، مطالعه ثروت است و از جنبه مهم دیگر، بخشی از مطالعه خود انسان» (Marshall & Marshall, 1879).

هر نظام اقتصادی همواره براساس مجموعه‌ای از اصول تجسم می‌یابد که زیربنای چارچوب خاص تنظیم فعالیت اقتصادی است. از یک سو، این مجموعه از اصول بر بینش فلسفی ویژه فعالیت‌های اقتصادی مبتنی است، و از سوی دیگر، تعامل این اصول، چارچوب فعالیت اقتصادی را تشکیل داده و آن را به مسیر درست و منطقی این نظام رهنمون می‌سازد. فلسفه اقتصادی، بن‌مایه فکری نظام ساختاری را فراهم می‌کند؛ زیرا دیدگاه‌ها و نظرات آن نظام را درباره تولید، توزیع و مصرف شکل می‌دهد و اصول و قواعد کارکرد آن ساخت علمی را در قالب دیدگاه‌های مشخصی سامان می‌دهد.

تمدن

تمدن واژه‌ای عربی و مصدر باب «تَفَعَّلَ» است که از ریشه «مدینه» به معنای «شهر و شهرنشینی و خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان» گرفته شده است. «ابن خلدون» با کلیدواژه‌های «العُمران» و «الحضاره» بدان پرداخته است؛ زیرا در عربی به تمدن، «حضاره» گفته می‌شود، به این معنا که تمدن در حضر، آرامش، امنیت و ثبات شکل می‌گیرد (Zamani, 2017).

از نظر اصطلاحی نیز، ویل دورانت تمدن را این‌گونه تعریف می‌کند: «تمدن، همان نظم اجتماعی است که به مجموعه نهادهای اجتماعی از آداب، رسوم، هنر، علوم، تأسیسات و فعالیت‌های انسانی در بستر تاریخ داده شده و با محیط جغرافیایی و اجتماعی تطبیق پیدا کرده است. در نتیجه وجود آن، ساختارهای کلان معرفتی، قانونی و فرهنگی شکل می‌گیرد و خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» (Durant, 1958).

در تعریفی دیگر از تمدن، محمدتقی جعفری (ره) می‌گوید: «تمدن، تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول، با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است» (Jafari, 1978).

برای یافتن الگوی توسعه و تمدن، باید به دو رکن اساسی این الگو، یعنی انسان و جامعه توجه کرد و ارتباط تحولات فردی و اجتماعی با یکدیگر و منشأ و اساس تحولات اجتماعی را بررسی نمود. بر اساس آموزه‌های قرآنی و سیره معصومین (علیهم‌السلام)، اساس تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی هدف‌دار در جوامع بشری، شالوده روانی و درونی انسان است. محتوای درونی انسان که سازنده ضمیر یا باطن فردی اوست، دارای دو عنصر اصلی اندیشه و اراده است. با عجین شدن این دو عنصر، آرمان‌ها و اهداف بزرگ انسان در جهان پیرامون تحقق می‌یابد.

تمدن نوین اسلامی

تأکید مقام معظم رهبری بر عنصر پیشرفت همه‌جانبه به‌عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی، تأکیدی است بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی (Alaei, 2011). برخلاف تمدن امروزی که ریشه در بُعد مادی انسان دارد و توسعه مادی را مدنظر قرار می‌دهد، تمدن نوین اسلامی به تمام ابعاد انسانی و الهی جامعه بشری نگاه ویژه‌ای دارد.

بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب و همچنین رهنمودهای رهبری، تمدن نوین اسلامی آن تمدنی است که در آن، انسان از نظر معنوی و مادی رشد کرده و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال، انسان را برای آن خلق کرده است.

ارتباط اقتصاد با تمدن نوین اسلامی

اقتصاد در شکل‌گیری، گسترش و زیبایی شهرها نقشی بسیار مهم دارد. شهرها به‌عنوان مراکز تجاری، رفاهی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع انسانی شکل می‌گیرند. توسعه و پیشرفت اقتصادی، منجر به رشد و توسعه سرزمینی مانند شهرها، بخش‌ها و روستاها می‌شود. با افزایش و گسترش فعالیت‌ها و تولیدات اقتصادی در یک منطقه، جوامع شهری و روستایی به‌عنوان مراکز فعال، جذاب و پُررونق برای کسب‌وکارها و افراد تبدیل می‌شوند.

ملاصدرا نیز در جایی با استناد به حدیث نبوی «الکادّ لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله» که تلاش اقتصادی در راستای تأمین نظام اقتصادی خانواده را در حکم جهاد و توکل می‌داند، معتقد است: «توکل‌کنندگان که به کسب‌وکار مشغولند، دارای مراتب متفاوتی هستند. مرتبه‌ای از ایشان آن است که شخص از خانه بیرون رود و به کسب‌وکار بپردازد، اما کسب‌وکار مشروع و معقول؛ و این تلاش، او را از مقام توکل به خدا خارج نمی‌سازد، تا مادامی که زیاده‌روی نکند و به اندازه نیاز و قوت و شأن و توانش، تلاش نماید» (Nazarpour, 2017).

یک جامعه با فرهنگ تعاملی بالا، می‌تواند فضای مستعدی جهت رشد و تعالی اقتصادی باشد. از این رو می‌تواند در بسط و گسترش تمدن نوین اسلامی نقش اساسی داشته باشد. در تمدن‌های مختلف بشری، اقتصاد به صورت‌های متفاوتی نمود پیدا می‌کند؛ در راهبرد تمدنی برخی جوامع، اقتصاد بر اساس تجارت و تبادلات شکل می‌گیرد؛ در برخی دیگر، اقتصاد بر پایه کشاورزی و دامپروری بنا نهاده می‌شود؛ و در برخی، اقتصاد بر مبنای تخصص و تقسیم کار تشکیل می‌شود. هر نوع اقتصادی می‌تواند بر تحولات اجتماعی و فرهنگی منطقه تأثیر بگذارد و در شکل‌گیری تمدن آن نقش مهمی ایفا کند.

پیشرفت یا توسعه

پیشرفت به مفهوم ترقی و رشد همه‌جانبه کیفی، جهت رسیدن به جامعه مطلوب و مورد نظر است که توأم با معنویت و متکی بر فرهنگ، توسعه یافته است (Alaei, 2011). توسعه که پیش از این امری صرفاً اقتصادی و مساوی با رشد تولید ملی تلقی می‌شد، پس از آن با عوامل دیگری مانند عوامل فرهنگی درآمیخت و در کانون توجه قرار گرفت (Nazarpour, 2017).

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (Oxford, 2001).

هرچند ممکن است در ظاهر یکی باشند، لکن در واژه پیشرفت نوعی درون‌مایه معنوی دیده می‌شود. توسعه غربی بر مبنای ارتقای مادی و جسمانی انسان، منهای بُعد معنوی او پایه‌گذاری شده؛ اما تمدن نوین اسلامی بر پایه ارتقای توأمان بُعد جسمانی و بُعد روحانی انسان، شالوده‌گذاری شده است. از این رو، واژه «پیشرفت» در رسیدن به تمدن نوین اسلامی، مناسب‌تر از واژه «توسعه» قلمداد می‌شود. لذا در مسیر تمدن‌سازی باید به پیشرفت همه‌جانبه رسید و یکی از ابزارهای تحقق آن، اقتصاد پیشرفته و قدرتمند است.

نسبت انقلاب اسلامی ایران با پیشرفت

قرن نوزدهم و بیستم و رشد روزافزون علم و اقتصاد در غرب و قدرت فزاینده نظامی کشورهای غربی، باعث شد کشورهای اروپایی به سرعت به سلطه‌افزایی و استعمار کشورهای بپردازند. یکی از این کشورها ایران بود که به دلیل موقعیت بسیار مهم خود، به ابزاری جهت بدهستان‌های غربی و عاملی برای رقابت کشورهای استعماری تبدیل شد؛ و این باعث شده بود که همواره مورد سوءاستفاده قدرت‌های استعماری قرار گیرد.

پس از انقلاب اسلامی، علیرغم موانع و محدودیت‌های ساختاری داخلی و خارجی ناشی از فشار قدرت‌های استعماری، تحمیل تحریم‌های شکننده، جنگ تحمیلی و فعال‌سازی گروه‌های تجزیه‌طلب در داخل، دستاوردها و نتایج بسیار مثبتی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، نظامی، علمی، خدماتی و تکنولوژیکی حاصل شده است. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، حرکت بر محور اقتصاد اسلامی، توسعه زیرساخت‌های صنعتی و بومی‌سازی بسیاری از فناوری‌ها و... نشان از پیشرفت‌های قابل توجه کشور، در عین فشارهای گسترده قدرت‌های غربی دارد.

گام دوم و نقش اقتصاد

یکی از محورهای مهم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اعتقاد و باور به اصل «ما می‌توانیم» است. رهبری انقلاب این باور را وسیله‌ای جهت رسیدن به پیشرفت دانسته و انقلاب اسلامی را موتور پیشران علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی می‌داند. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری کشور در حوزه‌های عمران، حمل‌ونقل، صنعت، نیرو، معدن، کشاورزی و... نمونه‌ای دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

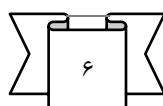
بر طبق بیانیه گام دوم انقلاب، برای رسیدن به اقتصادی قوی و قدرتمند که کلیدی‌ترین موضوع برای نیل به پیشرفت است، دو کار اساسی باید به‌عنوان افق پیش‌رو در حوزه تصمیم‌های کلان در نظر گرفته شود: یکی تلاش در جهت نیل به اقتصاد قدرتمند و مقاوم و دیگری رفع معایب ساختاری در هدررفت منابع اقتصادی که بیانیه گام دوم انقلاب نیز به آن اشاره دارد. از این‌رو، در جهت‌گیری مدیریت کلان اقتصادی، می‌بایست تجدیدنظر اساسی صورت گیرد تا همه بخش‌های اقتصادی به‌صورت متوازن و هماهنگ چرخ‌دنده‌های پیشرفت را به‌درستی به حرکت درآورند.

روش‌شناسی

روش توصیفی-تحلیلی یکی از انواع روش‌های تحقیق به شمار می‌رود. پژوهشگر برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد که از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق آن را تدوین می‌نماید. از ویژگی‌های تحقیق توصیفی، این است که پژوهشگر دخالتی در موقعیت و نقش متغیرها ندارد و صرفاً آنچه را وجود دارد، مطالعه کرده و به توصیف و تشریح آن می‌پردازد (parsmodir.com). هدف از پژوهش توصیفی، بررسی مسائل و مشکلات فعلی از طریق فرآیند جمع‌آوری داده‌هاست (pajoohyar.ir). این روش هم جنبه بنیادین دارد و هم کاربردی؛ جنبه بنیادین آن به تجزیه و تحلیل موضوع پژوهش و داده‌ها می‌پردازد تا حقایق روشن شود، و جنبه کاربردی و عملی آن می‌تواند در تصمیم‌گیری مسئولین و سیاست‌گذاران جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

۲. راهکارهای تحقق مؤلفه تمدنی اقتصاد بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

اصلاح ساختار اقتصادی



با توجه به آثار اسلامی در حوزه اقتصاد، مشخص می‌شود که یکی از راه‌های تحقق پیشرفت در جامعه اسلامی، داشتن اقتصادی قوی و مقاوم است که تکانه‌های مختلف، روند رو به رشد آن را متوقف یا کند نسازد. و در این راه، دانستن هرآنچه که اسلام در حوزه اقتصاد از ما خواسته است، لازم می‌نماید.

عیوب ساختاری مانند وابستگی به نفت، دولتی بودن برخی از بخش‌ها، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، حیف و میل‌ها، ریخت و پاش‌های بی‌حساب و کتاب در برخی از ادارات و سازمان‌هایی که غالباً با پول سروکار دارند، وابستگی ذهنی و روانی برخی از مسئولین به گره‌گشایی‌های خارجی، توزیع ناعادلانه ثروت، باید با یک عزم ملی و نگاه مسئولانه از جانب همه عوامل تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر رفع شده و به روند رو به رشد اقتصاد کمک شود.

یکی از این اقدامات، تحول در نظام آموزش اقتصادی کشور است؛ از طریق تطبیق نظام آموزشی با نیازهای جامعه و بازار و همچنین آموزش مهارت‌های کاربردی در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان و تربیت نیروی کار ماهر و متخصص در جهت پاسخگویی به نیاز اقتصاد تحولی و پیشرفته، از طریق ترویج فرهنگ کار و تشویق به خلاقیت و نوآوری در بین اعضای فعال جامعه، خصوصاً جوانان و نخبگان دانشگاهی، تا از این طریق بتوان به رشد و پویایی اقتصاد افزود.

کنار رفتن دولت از برخی تصدی‌گری‌ها به نفع بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی سالم بدون رانت و زدوبندهای رایج در میان برخی از سوداگران، و کاهش دخالت‌های دولت یا عناصر دولتی، ضمن کاهش هزینه‌کردهای دولت، به افزایش کارایی و بهره‌وری در حوزه مردمی‌سازی اقتصادی منجر شده و بهبود فضای کسب و کار و اشتغال را موجب می‌شود.

توسعه صنایع زیرساختی

سرمایه‌گذاری و توسعه هرچه بیشتر صنایع بزرگ و استراتژیک مانند فولاد، انرژی، فرآورده‌های نفتی و معادن، در کنار توسعه و گسترش شبکه‌های نقل و انتقال کالا و خدمات به صورت جاده‌ای، دریایی، ریلی و هوایی، می‌تواند در تسهیل تجارت مؤثر باشد. همچنین تقویت و گسترش ابزار و امکانات ارتباطی و اینترنت پرسرعت، در جهت تسهیل فعالیت‌های اقتصادی دیجیتالی، نقش زیادی در توسعه اقتصاد تمدنی دارد.

این توسعه و پیشرفت زیرساختی، ضمن افزایش اشتغال و رفع بیکاری، باعث افزایش قدرت خرید جامعه و رفع محرومیت در برخی از مناطق کشور می‌شود. برای این منظور، می‌بایست از ظرفیت کشورهای دارای فناوری‌های پیشرفته و بزرگ که خواهان همکاری با ایران هستند استفاده کرد تا از دایره پیشرفت جهانی عقب نماند.

اقتصاد مقاوم و قدرتمند

با توجه به آثار اسلامی در حوزه اقتصاد، مشخص می‌شود که یکی از راه‌های تحقق پیشرفت در جامعه اسلامی، داشتن اقتصادی قوی و مقاوم است که تکانه‌های مختلف، روند رو به رشد آن را متوقف یا کند نسازد. و در این راه، دانستن هر آنچه که اسلام در حوزه اقتصاد از ما خواسته، ضروری است.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اندیشه‌های امام خمینی، اقتصاد ملی را مورد تأکید قرار داده و معتقدند: «در اقتصاد، اصول امام تکیه بر اقتصاد ملی است؛ تکیه بر خودکفایی است...» (بیانات رهبر انقلاب در مراسم سالگرد ارتحال امام، ۱۳۹۲/۳/۱۴). ایشان استقلال اقتصادی را سخت‌تر از استقلال سیاسی می‌دانند و معتقدند:

بر اساس بیانیه گام دوم، راه حل مشکلات اقتصادی کشور، سیاست های اقتصاد مقاومتی است که برنامه های اجرایی آن باید برای همه بخش ها تدوین و اجرا شود. درون زایی اقتصاد کشور، مولد و دانش بنیان شدن، مردمی کردن اقتصاد، عدم تصدی گری دولت و برون گرایی، به عنوان مواردی از سیاست های مذکور بیان شده اند.

اقتصاد مقاومتی را نباید با اقتصاد ریاضتی یا اقتصادی صرفاً مربوط به شرایط خاص مانند تحریم، یکی دانست. بلکه اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که:

«اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه ظرفیت های دولتی و مردمی است» (بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲).

رویکرد عدالت محور در اقتصاد مقاوم و قدرتمند نیز از جمله مسائلی است که رهبر انقلاب بر آن تأکید ویژه دارند. در این باره می فرمایند: «با اجرای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی به وجود خواهد آمد. عدالت اجتماعی، مهم ترین شاخص در میان این شاخص ها است و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم به معنای واقعی کلمه، بهبود یابد» (بیانات رهبری در جمع تعدادی از مسئولان و فعالان اقتصادی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

امام علی (ع) نیز درباره ارزش عدالت می فرماید: «الْعَدْلُ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَ جَمَاعُ الْإِحْسَانِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۰). عدالت، در رأس و هسته اصلی ایمان و سرچشمه همه خوبی هاست؛ از این رو، عدالت نقشی محوری در اقتصاد قدرتمند و مقاوم دارد و موجب قوام بخشی آن در جامعه می شود.

عزم ملی در ساخت ایران مستحکم و مقتدر و تلاش در جهت ایجاد اقتصادی قوی با ساختارهای منظم و عمل گرا به لحاظ سیستمی، می تواند اقتصادی مولد و مقاوم ایجاد کند که هم مستحکم باشد و هم در برابر تکان های داخلی و خارجی دچار چالش نشود. در این میان، عزم ملی و اراده عمومی از همه طیف ها و گروه ها، به ویژه مردم، می تواند این رشد و پیشرفت تمدنی را محقق سازد.

تولید کالای باکیفیت از جانب تولیدگر و مصرف کالای داخلی از سوی مردم، عنصر مستحکم در قدم گذاری در بعد تمدنی انقلاب اسلامی در حوزه اقتصاد است. برای اینکه بتوان تولید باکیفیت داشت، نباید نسبت به عنصر نیروی انسانی، به ویژه طبقه کارگر، بی تفاوت بود؛ زیرا یکی از نقش های محوری در موفقیت اقتصاد، بر عهده نیروی انسانی است که می تواند چرخ اقتصاد ملی را با موفقیت به پیش ببرد. برای این کار، در اصلاح ساختار اقتصاد مقاومتی، باید چند موضوع را در نظر گرفت:

خوداتکایی

مسیر پیشرفت قریب به اتفاق کشورهای موفق و پیشرفته اقتصادی، با تکیه بر درون زایی و عوامل تولید داخلی و بازارهای داخلی بوده است. برخلاف تصور برخی، خوداتکایی و نگاه به درون در ادبیات علمی اقتصاد، مساوی با انزوا نیست. به عبارتی دیگر، خوداتکایی اقتصادی به معنای درون گرایی و بریدن از تعاملات سازنده بین المللی و همچنین به معنای عدم استفاده از فرصت های مفید جهانی نیست. بلکه برعکس، خوداتکایی یعنی درون زایی اقتصادی در پی جلب و بهره مندی از فرصت های بیرونی برای مولد کردن استعدادها و ظرفیت های داخلی است.

چنان‌که رهبر انقلاب در مورد استقلال اقتصادی معتقدند:

«استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد. معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ‌کس در دنیا دادوستد نمی‌کند؛ نه. دادوستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله کردن، گفت‌وگوی تجاری کردن، این‌ها دلیل ضعف نیست» (بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۸/۲/۱۵). کشورهای نظیر چین، کره جنوبی و هند با تکیه بر نظریه اقتصاد درون‌زا، تمرکز بر تربیت نیروی انسانی متخصص، سرمایه‌گذاری گسترده و توسعه صنایع و اقتصاد دانش‌بنیان، علاوه بر رشد اقتصادی چشمگیر و ورود به چرخه کشورهای توسعه‌یافته، توانسته‌اند نرخ بیکاری خود را به‌طور قابل توجهی کاهش داده و در نتیجه، سطح رفاه عمومی مردم خود را افزایش دهند.

در یک اقتصاد خوداتکا، نوسانات افسارگسیخته نرخ ارز باعث سلب انگیزه تولید نمی‌شود. در چنین اقتصادی، برای تأمین مواد اولیه برای تولید داخلی، تنها به بیرون مرزها توجه نمی‌شود، بلکه از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی نیز بهره گرفته می‌شود تا چرخه اقتصاد مقاومتی بیش از پیش بچرخد و پیشرفت کشور را رقم بزند.

دانش محوری

با پیشرفت‌های جدید بشری در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه فناوری‌هایی همچون فناوری اطلاعات، نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی، اهمیت علم و دانش در پیشبرد امور جامعه آشکارتر شده است. چنان‌که پیامبر اسلام (ص) درباره جایگاه علم و دانش می‌فرماید: «الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ؛ دانش پیشوای عمل و عمل پیرو آن است» (Sheikh Tusi, 2009).

با توجه به اهمیت کالاهای دانش‌محور، اقتصادی نو با عنوان اقتصاد دانش‌بنیان پدید آمده که کالاهای دانشی را به‌عنوان کالاهایی خاص و متمایز از دیگر کالاها، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز پیشرفت کشور را وابسته به عناصر علم و تولید می‌داند و می‌فرماید:

«پیشرفت مادی کشور در درجه اول، متوقف بر دو عنصر است: یک عنصر، عنصر علم است؛ یک عنصر، تولید است. اگر علم نباشد، تولید هم صدمه می‌بیند. اگر علم باشد اما براساس این علم و بر بنیاد دانش، تولید تحول و تکامل و افزایش پیدا نکند، باز کشور درجا می‌زند» (بیانات رهبری در دیدار با کارگران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۲/۸).

در میان عوامل اوج‌گیری تمدن اسلامی نباید از مسائل اقتصادی غافل بود، چرا که این عوامل در بالندگی هر تمدن و نیز در شکوفایی تمدن اسلامی نقش حیاتی دارند. نیروی انسانی کارآمد، امکانات طبیعی، فناوری و تکنولوژی از جمله عواملی هستند که برای گسترش تمدن اسلامی ضرورت دارند و در این میان، نقش علم و دانش در دستیابی به فناوری‌های ثروت‌ساز نباید نادیده گرفته شود.

اقتصادهای پیشرفته دنیا به‌صورت مستمر به‌سوی موقعیت‌های نوین حرکت می‌کنند، به‌گونه‌ای که در آینده‌ای قابل پیش‌بینی، صنایع و شرکت‌های دانش‌بنیان حداقل نیمی از تولید و اشتغال را به خود اختصاص خواهند داد. اقتصادهایی با سرمایه‌گذاری بالا در حوزه دانشی، همچون آمریکای شمالی و برخی کشورهای توسعه‌یافته، نزدیک به ۶ درصد از درآمد ناخالص داخلی خود را به این امر اختصاص داده‌اند، در حالی‌که اقتصادهای ضعیف چیزی حدود ۲ تا ۳ درصد را به آن اختصاص داده‌اند.

در جدول زیر، دو شاخص «سهم تولیدات صنعتی در کل صادرات» و «سهم فعالیت‌های با فناوری برتر و متوسط» در ایران و چند کشور آسیایی مقایسه شده است:

جدول ۱. مقایسه «سهم تولیدات صنعتی در کل صادرات» و «سهم فعالیت‌های با فناوری برتر و متوسط» در ایران و چند کشور آسیایی

کشور	سرانه ارزش افزوده	سهم فعالیت‌های با فناوری‌های متوسط و برتر (%)	سرانه صادرات تولیدات صنعتی (دلار)	سهم تولیدات صنعتی از کل صادرات	سهم فناوری برتر و متوسط از کل صادرات
هنگ کنگ	۵۷۵	۳۲.۵۸	۱۰۴۱	۴۴.۰۱	۴۴.۷۸
سنگاپور	۸۹۹۶	۷۳.۴۱	۳۲۲۴۱	۸۹.۷۶	۶۸.۹۹
تایوان	۴۸۸۵	۶۱.۸۸	۱۱۹۴۱	۹۵.۴۱	۷۱.۰۸
ایران	۳۲۶	۴۰.۷۰	۳۴۴	۱۹.۶۹	۳۱.۶۹

در آیه ۲۶۹ سوره بقره آمده است: «خداوند هر کس را به حکمت و دانش رساند، به او خیر بسیاری داده است و این حقیقت را جز خردمندان متذکر نمی‌شوند.»

نمونه بارز علم و دانش نافع، در نوع اندیشه و تفکر شهید حسن طهرانی مقدم تجلی می‌یابد؛ کسی که اولین موشک را با دانش مهندسی خود برای پیشرفت کشور و دفاع در برابر تهدیدات دشمن طراحی کرد و گامی مؤثر در راه اعتلای ایران برداشت، گامی که آثار آن نسل‌ها در جامعه باقی خواهد ماند.

عدم وجود زیرساخت‌های لازم برای جذب فناوری‌های پیشرفته، فقدان قوانین لازم‌الاجرا برای حمایت اقتصادی و فرهنگی از نخبگان کارآفرین، تداخل مراجع تصمیم‌ساز اقتصادی، ضعف اعتماد به تحقیقات بنیادین، نقص چرخه نوآوری و نیز ضعف در خطرپذیری و خلاقیت، از جمله چالش‌هایی است که مسئولان، نخبگان و آحاد جامعه باید در رفع آن کوشا باشند.

مردم‌محوری

اقتصاد مقاومتی را نباید اقتصادی ریاضتی یا اقتصادی دانست که صرفاً در زمان‌هایی همچون تحریم در نظر گرفته شود، بلکه اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که:

«اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های دولتی و مردمی است» (بیانات رهبری در دیدار با اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲).

دو الگوی درست و منطقی، یکی فرهنگ تولید قوی و دیگری فرهنگ مصرف صحیح در بین مردم، می‌تواند در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مورد توجه قرار گیرد تا بتواند بعد مردم‌گرایی اقتصاد را تحقق عینی ببخشد.

مردم‌گرایی در اقتصاد در حقیقت به معنای زمینه‌سازی و امکان نقش‌آفرینی گسترده، عمومی، عادلانه، شفاف و تبعیض‌ناپذیر آحاد مردم یک جامعه، متناسب با توانمندی‌های هر یک از آن‌ها در هر زمان و مکان، در راستای خلق ارزش اقتصادی و پیشرفت جامعه است. لازمه این امر آن است که الگوی اقتصاد مردمی، متناسب با شرایط بومی ایران باشد، نه صرفاً ترجمه یا کپی‌برداری از الگوهای بیرونی. به‌گونه‌ای که مردم بتوانند ضمن تعاون، در یک مسابقه جهادی و نوآورانه در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کرده، به رفع احتیاجات جامعه بپردازند و به قوام و رشد اقتصادی آن کمک کنند.

برون‌گرایی

رویکرد برون‌گرا در اقتصاد به معنای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های موجود در تجارت جهانی و استفاده بهینه از دانش و سرمایه برای موفقیت در بازارهای جهانی است. در اقتصاد برون‌گرا، محور اصلی صادرات‌گرایی است؛ یعنی اقتصاد کشور باید به گونه‌ای باشد که ضمن درون‌زا بودن، برون‌گرا نیز باشد، آن‌هم از طریق تولید قوی، کیفیت بالای کالا و توان بازاریابی برای جذب بازارهای هدف.

رهبر انقلاب ضمن اشتباه دانستن صادرات به چند کشور محدود می‌فرمایند:

«متأسفانه عمده‌ی صادرات کشور ما، بلکه عمده‌ی معاملات تجاری ما از صادرات و واردات، با پنج یا شش کشور است؛ خب این خطاست، این خلاف اقتصاد مقاومتی است. یکی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همین است؛ گسترش صادرات و گسترش طرف‌های صادراتی ما. اینکه ما به پنج کشور یا شش کشور اکتفا نکنیم و خودمان را محدود نکنیم، این تحرک مسئولین را لازم دارد؛ چه در سیاست خارجی، چه در بخش‌های دیگر» (بیانات رهبری در حرم رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱).

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، سیاست‌گذاری اقتصادی باید بر محور صادرات و جذب بازارهای بین‌المللی برای حضور شرکت‌های تولیدکننده ایرانی در این بازارها باشد. تمرکز اولیه باید بر همسایگان باشد؛ چراکه جمعیت حدوداً ۶۰۰ میلیون نفری کشورهای همسایه، بازارهایی در دسترس‌تر و سهل‌الوصول‌تر نسبت به کشورهای دور محسوب می‌شوند و این امر می‌تواند برای اقتصاد تحریمی ایران بسیار مفید باشد. در مرتبه بعد، تعامل با کشورهایی که بر پایه احترام متقابل با ایران رابطه دارند، اهمیت می‌یابد.

ایران یکی از مهم‌ترین واحدهای منطقه‌ای در خاورمیانه است که توان عملیاتی کردن الگوی کنترل ارتباطی را در راستای سامان‌بخشی به نظم منطقه‌ای برای تأمین منافع خود دارد. برجستگی ژئوپلیتیک ایران و برخورداری از موقعیت کانونی، مزیت راهبردی است که باید در راستای تحقق این هدف از آن بهره گرفت. ایران با داشتن ۱۵ کشور همسایه می‌تواند به کریدوری میان چین و هند از یک سو، و روسیه و اروپا از سوی دیگر تبدیل شود. این خود می‌تواند ضمن تقویت اقتصاد ایران، آثار تحریمی ناشی از فشارهای آمریکا را نیز خنثی سازد.

البته گرایش به بیرون‌نباید ما را از حمایت و سرمایه‌گذاری در زمینه ایده‌ها و ابتکارات دانشمندان جوان کشور غافل نماید. عزم ملی در ساخت ایران و تلاش در جهت ایجاد اقتصادی قوی با ساختارهای منظم و عمل‌گرا، می‌تواند اقتصادی مولد و مقاوم را ایجاد کند که هم مستحکم باشد و هم در برابر تکانه‌های داخلی و خارجی دچار چالش نشود. در این میان، اراده عمومی از سوی همه طیف‌ها و گروه‌ها، به‌ویژه مردم، می‌تواند این رشد و پیشرفت تمدنی را محقق سازد.

مهارت‌افزایی نیروی انسانی

تولید، چه در عرصه صنعت و چه در عرصه کشاورزی، از اهمیت درجه اول برخوردار است. باید تولید در کشور، به‌ویژه تولید دانش‌بنیان - متکی به دانش و مهارت‌های علمی و تجربی - پیش برود (بیانات رهبری در دیدار با کارگران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۲/۸). مسئله تجاری‌سازی بسیار مهم است؛ یافته‌های علمی و صنعتی باید بتوانند در کشور تولید ثروت کنند.

رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرمایند:

«برادران مسئول در دفتر ما یک محاسبه‌ای کرده‌اند؛ نظر آن‌ها این است که تا سال ۱۴۰۴ ما باید بتوانیم حداقل ۲۰ درصد از درآمد کشور را از راه صنایع دانش‌بنیان و فعالیت‌های تجاری دانش‌بنیان تأمین کنیم» (بیانات رهبری در دیدار با نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴).

به‌طور قطع، نیروی انسانی ماهر و کارآزموده در روند بهبود عملکرد اقتصادی کشور نقشی کلیدی دارد. با حضور چنین نیروهایی، هزینه‌های زائد در چرخه اقتصاد کاهش می‌یابد و در نتیجه، محصول نهایی با کیفیت بالاتری به دست مصرف‌کننده می‌رسد. در الگوی اسلامی-ایرانی

پیشرفت، باید توجه ویژه‌ای به این موضوع شود تا محصول ایرانی در بازارهای رقابتی، جایگاه بهتری یافته و مشتریان تمایل بیشتری به خرید کالای داخلی داشته باشند. این امر می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصاد ملی ایفا کند.

حمایت از ابداعات و نوآوری‌ها

ابداعات و نوآوری‌ها می‌توانند جامعه را در زمینه‌های گوناگون به سمت پیشرفت سوق دهند، به شرط آنکه از سوی دولت مردان و مسئولان سیاست‌گذار مورد توجه و حمایت قرار گیرند. حتی نباید از ایده‌ها، ابداعات و پژوهش‌های کوچک غافل بود؛ چراکه گاه از دل همین نوآوری‌های کوچک، دستاوردهای بزرگی پدید می‌آید.

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن حمایت از حرکت در مسیر کشف ناشناخته‌ها با استفاده از فکر ایرانی می‌فرماید:

«باید دقت کنیم، فکر کنیم و به دنبال کشف ناشناخته‌ها باشیم. راه‌های میان‌بر را پیدا کنیم و از بدعت و نوآوری در وادی علم بیمناک نباشیم. این حرکت و انگیزه باید در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی ما به صورت انگیزه‌ای عام، امری مقدس و یک عبادت تلقی شود. ما بایستی این جرأت را داشته باشیم که فکر کنیم می‌توانیم نوآوری کنیم» (بیانات در دیدار با دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷).

کسب‌وکارهای کوچک، کارآفرینان و استارت‌آپ‌ها اغلب از کسب‌وکارهای بزرگ موفق‌تر هستند؛ چراکه باعث مشارکت گسترده‌تر جامعه در رشد اقتصادی می‌شوند. البته ارزش‌آفرینی برای مشتریان و مدیریت آن، از عوامل کلیدی موفقیت و بقای این کسب‌وکارهاست. همچنین این کسب‌وکارها در مدل‌سازی فرایندهای تولید، تحقیق و توسعه، غنی‌سازی علمی و فنی، آموزش، توسعه انسانی، انتقال دانش و اشاعه نوآوری در کشور نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

تعامل صنعت با دانشگاه

رهبر انقلاب در مورد توصیه به مسئولان برای تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه می‌فرماید:

«همیشه به مسئولان گوناگون بخش‌های مرتبط دولت‌های گذشته سفارش می‌کردم که سعی کنید بین صنعت و دانشگاه ارتباط برقرار کنید» (بیانات رهبری در حرم رضوی، ۱۳۹۱/۱/۱).

نیازسنجی علمی برای حال و آینده، جلوگیری از کاهش سرعت پیشرفت علمی، اجرای دقیق نقشه جامع علمی کشور، پیگیری جدی ارتباط دانشگاه و صنعت، و نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها در اقتصاد مقاومتی، از لوازم ضروری برای نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰).

الگوی تعاملی دانشگاه و صنعت با حمایت دولت می‌تواند علاوه بر آموزش و پژوهش، به کارآفرینی نیز کمک کند.

صنعت در کنار تولید کالا و خدمات، به خلق و انتشار دانش می‌پردازد و دولت نیز در زمینه‌های پریسک دانش، فناوری و خدمات، سرمایه‌گذاری می‌کند.

همکاری میان دانشگاه، صنعت و دولت، شبکه‌ای از تلاش‌های فشرده و تعاملی را شکل می‌دهد که به‌طور فزاینده‌ای به توسعه و پیشرفت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌محور می‌انجامد.

تعامل با صنعت، از طریق سرمایه‌گذاری در حوزه تحقیق و توسعه و ایجاد ارتباط مؤثر میان مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی با صنایع بزرگ، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و شکوفایی اقتصاد کشور ایفا کند.

جلوگیری از فرار مغزها

فرار مغزها زمانی رخ می‌دهد که جامعه در استفاده از تخصص، توان و ظرفیت دانشی آنان ناتوان شود و افراد به‌منظور دستیابی به شرایط بهتر کاری و زندگی، به کشورهای توسعه‌یافته مهاجرت می‌کنند. این پدیده، پس از جنگ جهانی دوم شدت بیشتری یافته و کشورهای جهان سوم از آن آسیب‌های زیادی دیده‌اند، چرا که استعدادهای آن‌ها پس از سال‌ها سرمایه‌گذاری آموزشی و تحقیقاتی، در مرحله سوددهی و فعالیت علمی، در خدمت کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته‌اند. ایران نیز از این معضل بی‌نصیب نمانده است. عواملی همچون نبود امنیت اقتصادی، تورم بالا، درآمد پایین، تبلیغات رسانه‌ای و مشکلات اقتصادی از جمله زمینه‌های اصلی این پدیده محسوب می‌شوند.

برای جلوگیری از خروج نخبگان، دولت باید مجموعه‌ای از مشوق‌های متنوع را فراهم آورد؛ از جمله: تأمین نیازهای علمی متخصصان، ایجاد ثبات اقتصادی، افزایش رضایت شغلی، حفظ حرمت و منزلت اجتماعی، تقویت مالی، به‌کارگیری آن‌ها در امور مدیریتی کلان کشور، و به‌طور کلی ایجاد انگیزه و تشویق در رأس فعالیت‌های فرهنگی دولت برای حمایت اساسی از این قشر فرهیخته جامعه.

توسعه ارتباطات تجاری فرامرزی

تنوع‌بخشی ارتباطی با کشورهای مختلف و عضویت در سازمان‌های تجاری منطقه‌ای و جهانی، در کنار تنوع‌بخشی صادراتی و تحکیم مناسبات تجاری بین‌المللی و فرامرزی، ضمن کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، موجب توسعه صادرات کالاهای تجاری و غیرنفتی خواهد شد. این روند می‌تواند کالای ایرانی را در بازارهای جهانی به‌عنوان یک برند معتبر مطرح ساخته و در تقویت بازاریابی تولیدات ملی مؤثر باشد. در نتیجه، جذب سرمایه و ارز به داخل کشور امکان‌پذیر خواهد بود.

توسعه و گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای پیرامون در جهت ایجاد بازارهای مشترک، آموزش و توانمندسازی نیروی کار این کشورها، می‌تواند به افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت کالا، و افزایش رقابت‌پذیری کمک شایانی کند. این امر همچنین از اتلاف منابع جلوگیری کرده و به استفاده بهینه از منابع خدادادی، انسانی و حتی تکنولوژیکی خواهد انجامید. توسعه ارتباطات فرامرزی می‌تواند با جذب سرمایه‌های راکد این کشورها و انتقال فناوری‌های پیشرفته، نتایج مثبتی در پی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران، پس از پیروزی و قطع نفوذ قدرت‌های استعماری، اولویت خود را بر خودکفایی و اتکا به اقتصاد درونی نهاد و تلاش کرد بسیاری از پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی را بر اساس ظرفیت‌های داخلی پی‌ریزی کند. در برخی زمینه‌ها، به‌ویژه با همت دانشمندان جوان ایرانی، به خودکفایی دست یافته است؛ اما در برخی دیگر، نیازمند عزم ملی و اقدامات جدی برای تحقق پیشرفت اساسی است.

بیانیه گام دوم انقلاب که به موضوع تمدن‌سازی انقلاب اسلامی در دهه پنجم می‌پردازد، اقتصاد را یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌ها در نیل به تمدن نوین اسلامی معرفی کرده است. در شرایطی که اقتصاد و معیشت جامعه مورد حمله قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده قرار گرفته و آسیب‌هایی را متحمل شده، مقام معظم رهبری با تأکید بر اهمیت اقتصاد پیشرفته، مسئولان و نخبگان را به حرکت در جهت نیل به اقتصادی قوی و مقاوم ترغیب نموده و در قالب بیانیه گام دوم، مسیر پیشرفت تمدنی را ترسیم کرده‌اند.

تحقیق حاضر، با هدف بررسی موضوع مهم و حیاتی اقتصاد و راهکارهای تحقق آن در جامعه، تهیه شده است و ضرورت دارد در دهه دوم انقلاب اسلامی، مورد توجه ویژه تصمیم‌گیران و نخبگان جوان کشور قرار گیرد.

از آنجا که اقتصاد یکی از مسائل مهم انقلاب اسلامی است و دغدغه‌های گسترده‌ای در سطح جامعه ایجاد کرده، باید تلاش شود تا اقتصاد از زیر چتر نظریات غربی و لیبرالی خارج شده و با بهره‌گیری از متون و اندیشه‌های اسلامی، الگویی بومی و اسلامی-ایرانی برای تقویت آن طراحی شود. زیرا توسعه غربی قادر به تأمین رشد همه‌جانبه مادی و معنوی برای جوامع اسلامی نیست.

بنابراین، باید با فراهم‌سازی بسترهای تحقیقاتی و پژوهشی برای نخبگان و اندیشمندان ایران و جهان اسلام - آنان که دل در گرو موفقیت اسلام دارند - و نیز میدان دادن به جوانان و حمایت مسئولان، از طریق بهره‌گیری از تفکرات متنوع، به بازتعریف اقتصاد اسلامی، نظریه‌پردازی، و ارائه راه‌حل‌های کاربردی پرداخت.

یافته‌ها نشان می‌دهد برای برون‌رفت از بحران اقتصادی و حرکت به سوی پیشرفت، باید چشم‌اندازی تمدنی طراحی و سپس با میدان دادن به جوانان، از خروج مغزهای دانشی با ابزارهای تشویقی و تضمین امنیت شغلی و درآمدی متناسب با توان و دستاوردهای آنان جلوگیری شود. در این راستا، استخدام و به‌کارگیری جوانان نخبه حتی در برخی سطوح مدیریت کلان، می‌تواند آنان را به ماندن و ساختن اقتصاد کشور امیدوار سازد. همچنین، توسعه هرچه بیشتر صنایع زیرساختی و راهبردی در حوزه‌هایی مانند نفت، گاز، حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی، هوایی، دریایی و صنایع دفاعی، و نیز حمایت از نوآوران و مخترعان می‌تواند پایه‌های اقتصاد مقاوم را تقویت کند.

ابداعات و نوآوری‌ها در یک جامعه، در صورتی که از سوی مسئولان سیاست‌گذار به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت مالی بخش‌های دولتی و خصوصی قرار گیرند، می‌توانند رشد یابند و انگیزه تلاش بیشتر در زمینه‌های دیگر را نیز ایجاد کنند.

برای تحقق این هدف کلیدی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی باید ضمن ارتقای کیفیت آموزشی دانشجویان، اقدام به شناسایی نخبگان در حوزه نوآوری کنند. مسئولان نظام نیز می‌بایست نسبت به تأسیس دانشگاه یا مرکز تخصصی ویژه برای مبتکران و مخترعان اهتمام ورزند تا از این طریق مهارت نیروی انسانی افزایش یافته و در آینده در خدمت توسعه اقتصادی کشور قرار گیرد.

تعامل دانشگاه و صنعت، به‌عنوان پیوند میان نظریه و عمل، می‌تواند به خروج از فضای صرفاً تئوریک کمک کرده و با عملیاتی ساختن طرح‌ها، در تحقق تمدن نوین و تقویت مؤلفه اقتصاد نقش مؤثری ایفا نماید. این مهم باید از سوی مسئولان دانشگاهی و وزارت صنعت به‌طور جدی پیگیری شود.

با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و حمایت از تولید داخلی و قطع واردات در حوزه‌هایی که توان آن‌ها وجود دارد، می‌توان به خوداتکایی اقتصادی رسید. البته، درون‌زایی به معنای قطع روابط اقتصادی نیست، بلکه به معنای به میدان آوردن توان مردمی و خصوصی و بهره‌گیری از ارتباطات بین‌المللی و ظرفیت‌های تکنولوژیکی کشورهایی است که حاضر به همکاری با ایران هستند.

برای تحقق این امر، لازم است در ساختار وزارت خارجه بخشی تخصصی با عنوان دیپلماسی اقتصادی ایجاد شود تا هماهنگی‌ها و راهبری مناسبات تجاری و فن‌آورانه کشور را برعهده بگیرد. در این زمینه، همه قوا و نهادهای حکومتی، با تقسیم کار و پوشش دیپلماتیک هماهنگ، می‌توانند به شکل مسئولانه به تحقق اقتصاد تمدن‌ساز کمک کنند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

EXTENDED SUMMARY

The Statement on the Second Phase of the Islamic Revolution, issued by the Supreme Leader of Iran in 2019, serves as a strategic blueprint to guide the nation through a transformative journey toward Islamic civilization. One of the core components addressed in this roadmap is the economic dimension, which holds a pivotal role in shaping societal well-being and ensuring national independence. Unlike Western capitalism, which emphasizes material profit and individual gain, Islamic economic thought integrates justice, social responsibility, and collective prosperity. In this light, economic development is not merely a material necessity but a foundational pillar for cultural and spiritual civilization. The Islamic Revolution, rooted in values such as justice and equity, challenges the hegemonic economic paradigms of the West and offers an alternative civilizational trajectory. The Second Phase Statement emphasizes self-sufficiency, resistance economics, and knowledge-based progress, aiming to counter external economic pressures while fostering internal strength and resilience. Scholars have noted that Islamic civilization is predicated on inner transformation and intellectual awakening, and that economic justice plays a central role in this evolution (Nakhaei Aghmioni & Najjarzadeh, 2003). To realize the civilization-building goals of the Islamic Revolution, a comprehensive economic strategy rooted in indigenous values and capacities is essential.

Central to this approach is the conceptual distinction between "development" and "progress." While development often refers to linear economic expansion influenced by Western models, progress in Islamic terminology incorporates both material advancement and spiritual elevation. This dual focus underscores the unique nature of Islamic civilization, which aspires to foster balanced human growth across physical and metaphysical realms (Alaei, 2011). Economic structures must therefore align with principles of justice, equity, and community well-being. This perspective finds resonance in traditional Islamic thought, where poverty is seen not just as a social issue but as a potential threat to religious integrity. The legacy of thinkers like Ibn Khaldun and modern commentators such as Allama Jafari support the notion that economic organization reflects broader cultural and spiritual frameworks (Jafari, 1978; Zamani, 2017). Accordingly, the economic vision articulated in the Second Phase Statement calls for a model that is at once resistant to foreign domination, committed to social equity, and capable of enabling the emergence of a new Islamic civilization. This calls for rejecting rentier dependencies, especially on oil, and instead fostering industrial diversification, innovation, and grassroots participation.

One of the primary prerequisites for realizing this civilizational economic model is the transformation of national economic structures. Structural weaknesses such as over-reliance on government control, inefficiencies in budgeting, and widespread financial waste must be addressed through systemic reforms. The vision articulated by the Supreme Leader includes reducing government intervention in favor of private sector participation, promoting transparency, and institutionalizing meritocracy in economic management. Equally important is the shift toward a knowledge-based economy, in which science and innovation are recognized as engines of growth. In this context, the Islamic tradition emphasizes the primacy of knowledge, with the Prophet Muhammad describing it as the leader of action (Sheikh Tusi, 2009). Modern economic models that

prioritize knowledge-intensive industries, such as biotechnology and information technology, exemplify how such a transformation can take shape. The experiences of countries like South Korea and Singapore, which invested heavily in human capital and technological infrastructure, offer valuable lessons in creating resilient and forward-looking economies (Nazarpour, 2017). Moreover, the strengthening of research universities and their collaboration with industrial sectors can enhance productivity and ensure the practical application of scientific discovery in national development.

Another cornerstone of the proposed economic model is the principle of resistance economy (اقتصاد

مقاومتی), which aims to safeguard national economic integrity in the face of external threats. This strategy is not merely reactive but is grounded in the proactive mobilization of domestic capacities, popular participation, and regional economic integration. Resistance economy, as articulated by the Supreme Leader, envisions a self-reliant system that can endure sanctions and international isolation while continuing to grow through indigenous innovation and production. It emphasizes internal dynamism alongside strategic international engagement. Importantly, the resistance economy does not equate to economic isolationism. Rather, it promotes active participation in global markets through the export of high-quality domestic products and services. In this regard, the emphasis on exporting to a wider array of countries—beyond a few dominant trade partners—is critical for economic sovereignty. Moreover, integrating technological innovation, enhancing the role of start-ups, and supporting local entrepreneurship are crucial in developing a diverse and resilient economic ecosystem. These principles align with both classical Islamic values and contemporary economic theory that prioritizes decentralization, competition, and equity.

Human capital development emerges as another vital component of the civilization-building economy. A capable and educated workforce is the bedrock of innovation and productivity. Therefore, investing in skills training, entrepreneurship education, and youth empowerment is essential for sustained progress. The Second Phase Statement encourages the integration of young talent into all aspects of national development, including strategic decision-making. Addressing brain drain, which depletes the country's intellectual and professional resources, requires creating an environment where skilled individuals can thrive. This includes ensuring job satisfaction, providing economic incentives, and maintaining respect for professional dignity. International comparisons reveal that countries able to retain and empower their skilled labor pool achieve greater technological advancement and social cohesion. Furthermore, fostering an entrepreneurial spirit rooted in Islamic ethics and national identity can strengthen self-reliance and resilience. In this framework, the state's role is to create enabling conditions rather than exert control, promoting a partnership between government, academia, and the private sector to achieve shared goals.

An equally crucial factor is the enhancement of international economic relations based on mutual respect and strategic interests. A civilization-building economy must not only be internally strong but also externally connected. Engaging in regional trade agreements, participating in global value chains, and establishing joint ventures with technologically advanced countries can contribute significantly to economic growth. Iran's unique geopolitical position—linking East and West—offers unparalleled opportunities for becoming a trade and transit hub. Expanding relations with neighboring countries, leveraging regional economic blocs, and participating in multilateral organizations can reduce dependency on volatile oil revenues and enhance the country's economic resilience. Such engagement must, however, be grounded in national interests and moral principles. It is also necessary to establish a diplomatic framework—such as economic diplomacy divisions within foreign ministries—to systematically pursue economic opportunities abroad. Successful

examples from other nations illustrate that strategic integration into global markets, when combined with domestic industrial capacity, can accelerate both material and cultural influence on a civilizational scale.

In conclusion, the economic vision presented in the Second Phase Statement is not limited to achieving growth in GDP or increasing exports. Rather, it reflects a comprehensive and value-driven model that seeks to lay the foundation for a new Islamic civilization. It advocates for structural reforms, knowledge-based production, economic justice, and popular participation, while also emphasizing self-sufficiency and international engagement. The realization of this vision requires coordinated action by policymakers, academics, entrepreneurs, and civil society actors. It demands investment in education, support for innovation, reduction of economic inequality, and a consistent commitment to moral and cultural values in economic planning. Only through such an integrated and holistic approach can the Islamic Republic of Iran transition from resistance to resurgence, and from national survival to civilizational leadership. The path is challenging, but the opportunity to shape a future rooted in Islamic values and economic excellence is both urgent and attainable.

References

- Alaei, H. (2011). Influential Components on the Islamic-Iranian Model of Progress with Regard to the Experiences of the Sacred Defense Era. *Journal of Defense Policy*, 74.
- Durant, J. W. (1958). *The Story of Civilization: Our Oriental Heritage*. Organization for Publications and Education of the Islamic Revolution.
- Jafari, M. T. (1978). *Translation and Interpretation of Nahj al-Balagha* (Vol. 16). Daftar Nashr-e Farhang-e Eslami.
- Marshall, A., & Marshall, M. P. (1879). *The Economics of Industry*. Macmillan.
- Nakhaei Aghmioni, M., & Najjarzadeh, R. (2003). *Key Words of Micro and Macro Economics*. Chap and Nashr-e Bazargani.
- Nazarpour, M. T. (2017). *Islamic Banking*. SAMT Publications.
- Oxford, U. (2001). *Oxford English Dictionary*. Rahnama.
- Sheikh Tusi, M. (2009). *Amali* (Vol. 1). Andisheh Hadi.
- Zamani, M. (2017). *Islam and the New Civilization*. Payam-e Eslam.